اقتصاد ایران در چنگال تحریم، شبکه‌های تراستی، تقلبات مالی و مخاطرات پول‌شویی

چالش های حسابرسی کدامند؟

غلامحسین دوانی

پژوهشگر سیاسی ــ اقتصادی

عضو شورای ادوار جامعه حسابداران رسمی ایران

مدخل بحث :

تشدید تحریم‌های مالی و بانکی علیه ایران طی سال‌های اخیر ، دسترسی مستقیم صادرکنندگان، شرکت‌های دولتی و نهادهای ایرانی به شبکه عادی بانکداری بین‌المللی را به‌شدت محدود کرده است. به طور یک ه تولید ناخالص داخلی که در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۶۵۰ میلیارددلار بوده به ۳۴۰ میلیارددلار در سال ۱۴۰۵ رسیده که عمق فاجعه را نشان می دهد. در چنین شرایطی، شبکه‌ای از شرکت‌های واسط، صرافی‌ها، شرکت‌های پوششی و اشخاص مورد اعتماد در خارج از کشور شکل گرفته که در ادبیات اقتصادی ایران از آنها با عنوان «تراستی‌ها» یاد می‌شود. .[۱]

وظیفه اولیه این شبکه‌ها دریافت درآمد حاصل از صادرات ایران، نگهداری یا انتقال آن، پرداخت بهای واردات و در نهایت تسویه حساب با ذی‌نفع ایرانی است. اما انتقال میلیاردها دلار دارایی به شبکه‌ای که بخش‌هایی از آن خارج از ساختار رسمی بانکی، نظارت عمومی، حسابرسی شفاف و کنترل مستقیم خزانه‌داری فعالیت می‌کند، خود زمینه‌ای برای ایجاد رانت، تضاد منافع، فساد و سوءاستفاده فراهم کرده است.

شبکه مقابله با جرائم ملی آمریکا ((Financial Crimes Enforcement Network (FinCEN) یا شبکه مقابله با جرائم مالی که یکی از زیرمجموعه‌های وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا است که در سال ۱۹۹۰ تأسیس و هدف اصلی آن ، حمایت از امنیت ملی، مبارزه با پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم و حفاظت از سیستم مالی در برابر فعالیت‌های غیرقانونی است) در سال ۲۰۲۵ از وجود شبکه گسترده‌ای از شرکت‌های پوششی، صرافی‌ها و واسطه‌های خارجی مرتبط با ایران سخن گفته‌اند. فین سن با بررسی گزارش‌های مالی مربوط به سال ۲۰۲۴، حدود ۹ میلیارد دلار فعالیت بالقوه مرتبط با بانکداری سایه ایران را شناسایی کرد؛ البته این رقم برآورد کل شبکه نیست و تنها فعالیت منعکس‌شده در داده‌های بررسی‌شده آن نهاد است.[۲]

در داخل ایران نیز موضوع تراستی‌ها اکنون از سطح بحث کارشناسی فراتر رفته و به پرونده‌های قضایی رسیده است. در تیر و مرداد ۱۴۰۵ گزارش شد که برای مدیران شرکت‌های تراستی ۵۹ پرونده تشکیل شده، ۲۲ متهم به زندان معرفی شده‌اند و برای ۱۵ نفر اعلان قرمز اینترپل صادر یا درخواست شده است.[۳] رئیس سازمان بازرسی کل کشور نیز اعلام کرد یک تراستی حدود ۲۰۰ میلیون دلار را بازنگردانده و از کشور خارج شده است.[۴] همچنین رقمی معادل ۱/۶ میلیارد دلار به‌عنوان وجوه مورد سوءاستفاده برخی تراستی‌ها در گزارش‌های داخلی مطرح شده است؛ رقمی که تا روشن‌شدن نتایج نهایی پرونده‌های قضایی باید آن را «رقم اعلام‌شده» و نه زیان قطعی اثبات‌شده تلقی کرد.[۵]

هدف این نوشتار توضیح سازوکار اقتصادی تراستی‌ها، رابطه آن با صادرات تحت تحریم، چگونگی گردش ارزش صادرات در خارج از کشور و مهم‌تر از همه، بررسی مخاطرات حسابرسی، فساد و پول‌شویی ناشی از این ساختار است.

۱. تحریم؛ از یک محدودیت سیاسی تا تغییر ساختار تجارت

تحریم اقتصادی صرفاً مانع فروش یک کالا یا انتقال یک حواله بانکی نمی‌شود. هنگامی که تحریم گسترده و بلندمدت شود، به‌تدریج معماری تجارت خارجی کشور هدف را تغییر می‌دهد.

در تجارت متعارف، صادرکننده کالا را به خریدار خارجی می‌فروشد، اسناد حمل صادر می‌شود، بانک خریدار وجه را از طریق بانک‌های کارگزار منتقل می‌کند و صادرکننده در نهایت وجه حاصل از فروش را در حساب بانکی خود دریافت می‌کند.

اما وقتی بانک‌های کشور صادرکننده از بخش بزرگی از شبکه مالی جهانی کنار گذاشته شوند، همین فرایند ساده به زنجیره‌ای از واسطه‌ها تبدیل می‌شود. گزارش دولت استرالیا درباره «بانکداری سایه ایران» نیز تأکید می‌کند که کاهش دسترسی ایران به شبکه بانکداری جهانی، از جمله بانکداری کارگزاری و SWIFT، زمینه ایجاد سیستم موازی انتقال پول، شرکت‌های واسط و صرافی‌ها را فراهم کرده است.[۶]

تحریم‌ها علاوه بر محدودیت مالی، هزینه‌های اقتصادی دیگری نیز به کشور تحمیل می‌کنند. پژوهش لاداتی و دکترهاشم پسران، با استفاده از شاخص شدت تحریم، اثرات قابل توجه تحریم‌ها بر نرخ ارز، تورم و رشد اقتصادی ایران را گزارش کرده است.[۷]

به این ترتیب، هزینه تحریم تنها در «کاهش صادرات» خلاصه نمی‌شود؛ افزایش تعداد واسطه‌ها، تخفیف فروش، هزینه انتقال پول، ریسک بلوکه‌شدن منابع، عدم شفافیت و افزایش امکان فساد نیز بخشی از هزینه واقعی تحریم است.

۲. تراستی چیست؟

واژه «تراستی» در اقتصاد امروز ایران معنایی متفاوت از مفهوم حقوقی Trust در حقوق کشورهای کامن‌لا دارد. تراستی در این مقاله به شخص یا شرکتی گفته می‌شود که بنا بر اعتماد یک شرکت، صادرکننده یا نهاد ایرانی، در خارج از کشور وظیفه‌ای مانند دریافت پول، نگهداری وجه، پرداخت به فروشندگان، انتقال ارز یا تسویه حساب را انجام می‌دهد. بنابراین «تراستی» الزاماً یک نهاد حقوقی Trust نیست؛ بلکه بیشتر واسطه مورد اعتماد مالی و تجاری است. در ادبیات نهادهای بین‌المللی اصطلاحاتی مانند:

Front Company، Shell Company، Intermediary Company، Exchange House و Shadow Banking Network

بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. فین سن ، شبکه بانکداری سایه مرتبط با ایران را شبکه‌ای متشکل از شرکت‌های خارجی، شرکت‌های پوششی و واسطه‌هایی توصیف کرده که امکان دسترسی غیرمستقیم به ارز و سیستم مالی بین‌المللی را فراهم می‌کنند.[۲]

در نتیجه، عنوان «تراستی» بیش از آنکه وضعیت حقوقی شرکت را توصیف کند، نوع رابطه آن با صاحب اصلی پول را نشان می‌دهد: رابطه‌ای مبتنی بر اعتماد که دقیقاً همین «اعتماد» می‌تواند مهم‌ترین نقطه ضعف سیستم باشد.

۳. چرا تراستی‌ها به وجود آمدند؟

فرض کنیم یک شرکت ایرانی یک محموله نفت، پتروشیمی، فولاد، مواد معدنی یا کالای دیگر صادر کرده و ۵۰ میلیون دلار از خریدار خارجی طلبکار است. اگر بانک خریدار حاضر به انتقال مستقیم وجه به بانک ایرانی نباشد، صادرکننده با مسئله‌ای اساسی مواجه می‌شود:

کالا فروخته شده؛ اما پول چگونه دریافت شود؟

یکی از پاسخ‌هایی که طی سال‌های تحریم شکل گرفته، استفاده از شرکت یا حساب واسط در کشور ثالث بوده است. خریدار خارجی پول را به حسابی خارج از ایران پرداخت می‌کند و صاحب ایرانی وجه بعدها از تراستی می‌خواهد آن را برای تأمین نیازهای ارزی او به کار گیرد.

بنابراین تراستی اساساً محصول یک تناقض است:

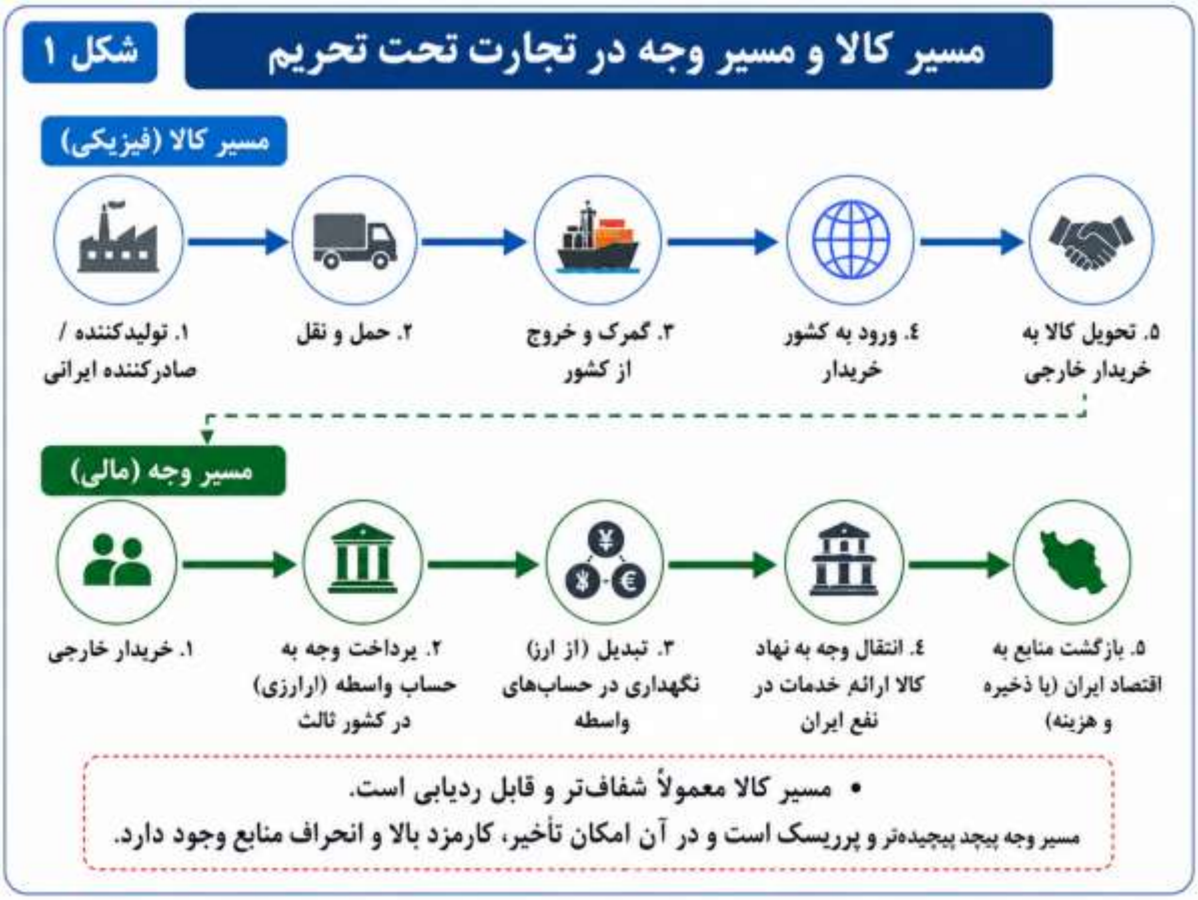
اقتصاد ایران همچنان باید تجارت خارجی انجام دهد، اما سیستم رسمی انتقال پول برای آن محدود شده است و لذا از دل همین تناقض، یک شبکه موازی متولد شده است.

۴. فرایند فیزیکی صادرات کالا تحت تحریم

تصویرزیر نمایش گویای فرآیند فیزیکی صادرات کالا در شرایط تحریم را نمایش می دهد.



برای درک مسئله باید جریان کالا را از جریان پول جدا کنیم که این مورد در شکل شماره یک ملحوظ شده است.



در تجارت دریایی نفت،دفتر کنترل دارائی های خارجی (Office Of Foreign Assets Control = OFAC) در راهنمای آوریل ۲۰۲۵ خود به مجموعه‌ای از علائم ریسک مانند ساختارهای مالکیتی پیچیده کشتی‌ها، انتقال کشتی‌به‌کشتی، تغییرات غیرعادی در اطلاعات حمل و سایر روش‌های پنهان‌سازی اشاره کرده است.[۸]

باید تأکید کرد که انتقال کشتی‌به‌کشتی یا استفاده از واسطه تجاری به‌خودی‌خود دلیل پول‌شویی یا فعالیت مجرمانه نیست. بسیاری از این عملیات در تجارت جهانی کاملاً قانونی‌اند. مسئله زمانی ایجاد می‌شود که مجموعه‌ای از این اقدامات برای پنهان‌کردن منشأ، مالک واقعی یا مقصد کالا و وجوه به کار گرفته شود.

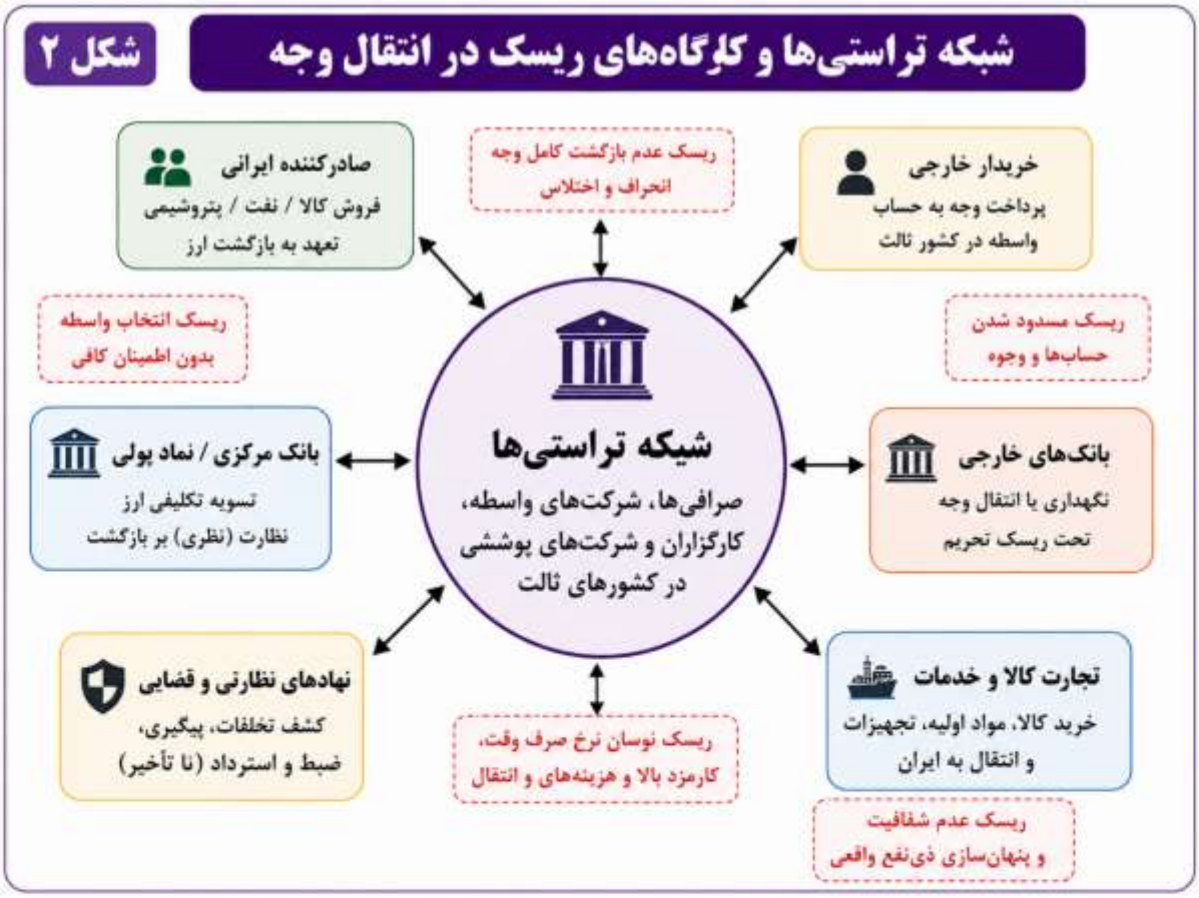
در مورد کالاهای غیرنفتی نیز امکان استفاده از شرکت‌های بازرگانی واسط، انبارهای کشورهای ثالث یا خریداران واسطه وجود دارد. بنابراین گاه شرکت ثبت‌شده در اسناد مالی آخرین خریدار واقعی کالا نیست.

۵. نقطه آغاز تراستی: کالا رفته، پول کجاست؟

پس از تحویل کالا، مشکل اصلی آغاز می‌شود. دریک معامله عادی فرآیند کار بشرح زیر است

خریدار خارجی ← بانک خریدار ← بانک صادرکننده ← حساب صادرکننده

اما در تجارت محدودشده بانکی، ممکن است مسیر اقتصادی چنین باشد:



این همان نقطه‌ای است که باید میان دو مفهوم تفاوت قائل شد بدین تعبیر که بازگشت ارز صادراتی الزاماً به معنی ورود همان دلار یا یورو به خاک ایران نیست. زیرا ممکن است ارزش صادرات در خارج از ایران برای پرداخت هزینه‌های شرکت ایرانی مصرف شود.

مثلاً صادرکننده ممکن است به تراستی دستور دهد بخشی از پول را بابت خرید ماشین‌آلات یا مواد اولیه مورد نیازش به یک فروشنده خارجی پرداخت کند. از منظر اقتصادی، بدهی تراستی به صادرکننده کاهش می‌یابد و در مقابل بدهی صادرکننده به تأمین‌کننده خارجی تسویه می‌شود.

۶. عملیات تراستی؛ یک نمونه ساده حسابداری

فرض کنیم شرکت پتروشیمی آبادان کالایی به ارزش ۱۰ میلیون دلار صادر کرده است. خریدار خارجی پول را به حساب شرکت واسط «ب» پرداخت می‌کند. در این مرحله شرکت «ب» از نظر اقتصادی ۱۰ میلیون دلار به شرکت ایرانی بدهکار است. دراین مرحله شرکت پتروشیمی آبادان ممکن است دستور دهد:

۳ میلیون دلار بابت مواد اولیه به فروشنده خارجی پرداخت شود؛

۲ میلیون دلار بابت خرید ماشین‌آلات پرداخت شود؛

بخشی برای هزینه‌های خارجی شرکت مصرف شود؛

و مانده طبق سازوکار توافق‌شده تسویه گردد.

فرآیند این گونه معاملات از منظر حسابرسی سؤال بسیار مهم است زیرا برای حسابرس باید محرز شود که چه سند مستقلی نشان می‌دهد که در هر لحظه چه مقدار از دارایی شرکت ایرانی نزد هر تراستی وجود دارد؟

اگر پاسخ این پرسش تنها یک فایل اکسل، پیام واتس‌اپ، ایمیل یا صورت‌حساب تهیه‌شده توسط خود تراستی باشد، کنترل داخلی بسیار ضعیف است.

۷. چرا تراستی می‌تواند به یک خزانه‌داری موازی تبدیل شود؟

اگر یک واسطه تنها یک بار مبلغ کوچکی دریافت کند، ریسک محدود است. اما فرض کنیم همان تراستی وجوه ده‌ها محموله را دریافت کند، برای چند شرکت پرداخت انجام دهد، نزد چند بانک حساب داشته باشد، با چند صرافی همکاری کند و میلیاردها دلار گردش مالی پیدا کند. در چنین وضعیتی تراستی دیگر صرفاً «واسطه» نیست؛ در عمل بخشی از وظایف یک (بانک + خزانه‌داری + صرافی + شرکت بازرگانی) را هم‌زمان انجام می‌دهد.

اما برخلاف بانک، الزاماً مشمول همان استانداردهای کفایت سرمایه، گزارش‌دهی، کنترل داخلی و نظارت مستمر نیست. اینجا همان نقطه‌ای است که «راه‌حل تحریم» می‌تواند به مسئله حکمرانی اقتصادی تبدیل شود.

۸. هشدار ۹ میلیارد دلاری FinCEN

در اکتبر ۲۰۲۵، FinCEN اعلام کرد تحلیل داده‌های قانون محرمانگی بانکی آمریکا برای سال ۲۰۲۴ حدود ۹ میلیارد دلار فعالیت مالی بالقوه مرتبط با بانکداری سایه ایران را نشان داده است.[۲]

فین سن (FinCEN)همچنین گزارش کرد شرکت‌های خارجی مرتبط با تجارت نفت ایران ـــ از جمله شرکت‌هایی عمدتاً مستقر در امارات و سنگاپور ـــ در داده‌های مورد بررسی حدود ۴ میلیارد دلار معامله داشته‌اند.[۲]

این رقم را نباید «کل درآمد تراستی‌های ایران» تلقی کرد. خود فین سن (FinCEN) درباره بخشی از فعالیت‌هایی سخن می‌گوید که در داده‌های مالی در دسترس آن قابل شناسایی بوده‌اند. بنابراین شبکه واقعی می‌تواند کوچک‌تر یا بزرگ‌تر از ارقامی باشد که از یک پایگاه داده خاص استخراج شده است. اما اهمیت گزارش در عدد ۹ میلیارد دلار نیست؛ اهمیت آن در معماری شبکه ای متشکل از شرکت نفتی؛ شرکت پوششی؛ شرکت حمل‌ونقل؛ صرافی؛ شرکت تأمین‌کننده؛ حساب بانکی کشور ثالث و و ذی‌نفع نهایی است .

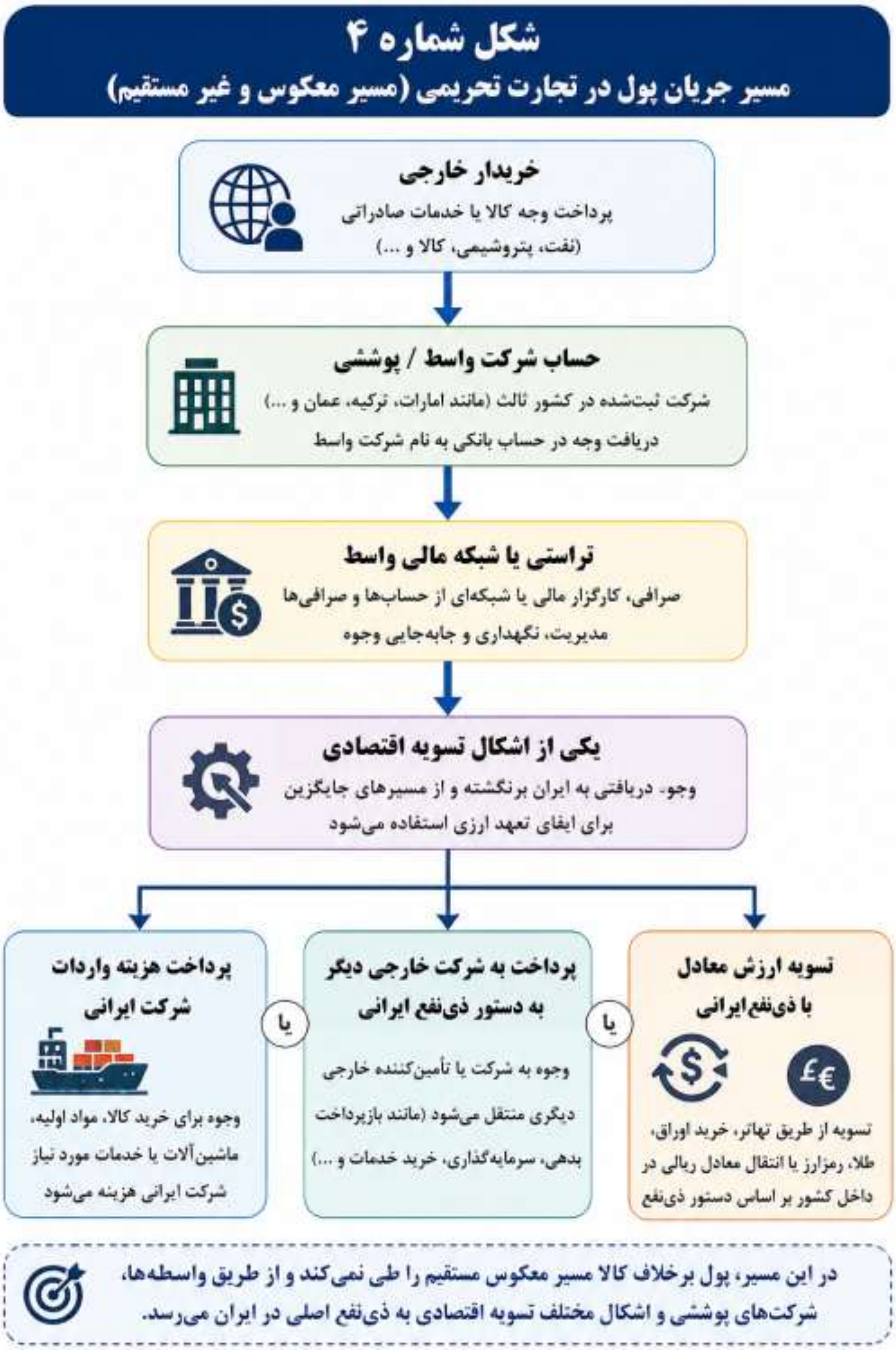
این معماری بسیار نزدیک به همان چیزی است که در ایران تحت عنوان شبکه تراستی شناخته می‌شود.[۲][۹]

۹. شکل جامع عملیات؛ کالا یک مسیر، پول مسیری دیگر

برای توضییح بیشتر می‌توان کل این فرایند را درشکل شماره سه نمایش داد.



اما همان طوری که در شکل شماره جهار مشاهده می شود پول برخلاف کالا مسیر معکوس مستقیم را طی نمی‌کند.



بنابراین در یک شبکه تراستی سه مشخصه جدااز‌هم (مسیر کالا ≠ مسیر پول) و گاه حتی (صادرکننده رسمی ≠ دریافت‌کننده بانکی) و (دارنده حساب ≠ مالک اقتصادی وجه) وجوددارند واین سه جدایی، مهم‌ترین منشأ خطر هستند.

۱۰. تفاوت تراستی با پول‌شویی

در این گونه معاملات باید از یک اشتباه مفهومی پرهیز کرد. هر عملیات تراستی الزاماً پول‌شویی نیست. گروه ویژه اقدام مالی (Financial Action Task Force=FATF)، پول‌شویی مبتنی بر تجارت

(Trade-Based Money Laundering) را استفاده از معاملات تجاری برای پنهان‌کردن منشأ مجرمانه وجوه و انتقال ارزش با هدف مشروع جلوه‌دادن آن تعریف می‌کند.[۱۰]

بنابراین اگر منشأ پول قانونی باشد ولی انتقال آن صرفاً به علت محدودیت بانکی از مسیر یک واسطه انجام شود، صرف وجود واسطه برای اثبات پول‌شویی کافی نیست. اما همین زیرساخت می‌تواند ریسک پول‌شویی و تقلب را به‌شدت افزایش دهد.

FATF در مطالعات مربوط به پول‌شویی تجاری روش‌هایی از قبیل بیش‌اظهاری یا کم‌اظهاری فاکتور، صدور چند فاکتور برای یک معامله، تجارت صوری و استفاده از شرکت‌های پوششی را از روش‌های شناخته‌شده انتقال و پنهان‌سازی ارزش معرفی کرده است.[۱۱]

بنابراین مسئله اصلی آن است که آیا مالک واقعی پول معلوم است؟

کالا واقعاً وجود دارد؟

قیمت واقعی است؟

پرداخت با قرارداد و فاکتور تطبیق دارد؟

ذی‌نفع نهایی مشخص است؟

اگر پاسخ این پرسش‌ها روشن نباشد، مرز میان تجارت، دور زدن محدودیت، تقلب و پول‌شویی بسیار باریک می‌شود.

۱۱. شرکت پوششی و مسئله «مالک واقعی»

یکی از اساسی‌ترین مشکلات این شبکه‌ها جدایی میان مالک ثبتی شرکت و مالک یا کنترل‌کننده واقعی آن است.

فرض کنید شرکتی در دبی، هنگ‌کنگ یا کشور دیگری ثبت شده است. روی کاغذ سهامدار و مدیر دارد؛ اما سؤال مهم برای حسابرس این است:

یا ذی‌نفع واقعی (Beneficial Owner) چه کسی است؟

گروه ویژه اقدام مالی (FATF) شفافیت مالکیت ذی‌نفع واقعی را یکی از ابزارهای اصلی جلوگیری از سوءاستفاده از شرکت‌ها برای پول‌شویی و سایر جرایم مالی می‌داند.[۱۲]

در شبکه تراستی، ممکن است شرکت از نظر ثبتی ارتباط آشکاری با ایران نداشته باشد؛ ولی منابع مالی متعلق به شرکت یا نهاد ایرانی را کنترل کند.

بنابراین تحلیل تراستی بدون شناسایی مالک واقعی، مدیران، صاحبان امضا و حساب‌های بانکی آن تقریباً ناقص است.

۱۲. از «اعتماد» تا «خیانت»؛ پرونده‌های ۱۴۰۵

بحث تراستی‌ها در ایران در تابستان ۱۴۰۵ وارد مرحله جدیدی شد. علی صالحی، دادستان تهران، از تشکیل ۵۹ پرونده برای مدیران شرکت‌های تراستی خبر داد. طبق گزارش منتشرشده، ۲۲ متهم به زندان معرفی شده و برای ۱۵ نفر نیز اعلان قرمز بین‌المللی صادر یا پیگیری شده است.[۳]

چند روز بعد ذبیح‌الله خداییان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، اعلام کرد یک تراستی که بیش از ۲۰۰ میلیون دلار از منابع کشور در اختیارش بوده، پول را بازنگردانده و از کشور خارج شده است.[۴]

همچنین در گزارش‌های داخلی رقم ۱/۶ میلیارد دلار به‌عنوان میزان سوءاستفاده برخی تراستی‌ها مطرح شده است.[۵]

این ارقام تکان‌دهنده‌اند، اما از منظر حرفه‌ای باید تأکید کرد که تا زمانی که پرونده‌های قضایی رسیدگی و احکام قطعی منتشر نشده‌اند، نمی‌توان همه مبالغ مورد اختلاف را «اختلاس قطعی» نامید. ولی حتی وجود ۵۹ پرونده به‌تنهایی نشان می‌دهد که مسئله از یک تخلف انفرادی فراتر رفته و با یک ضعف ساختاری در کنترل منابع ارزی روبه‌رو هستیم.

۱۳. پرسش اساسی: چه کسی این افراد را انتخاب کرده است؟

در این میان پرسشی بسیار مهم کمتر مطرح می‌شود:

تراستی چگونه تراستی شده است؟

چه مرجعی اهلیت مالی او را تأیید کرده؟

چه کسی مالک واقعی شرکت واسط را بررسی کرده؟

آیا مدیران شرکت خود مالکان تراستی و یا ذینفع در تراستی نیستند؟

چه میزان تضمین از او دریافت شده؟

سقف اعتباری هر تراستی چقدر بوده؟

چرا باید صدها میلیون دلار نزد یک واسطه متمرکز شود؟

چه کسی مانده حساب آن را روزانه یا هفتگی تطبیق داده؟

آیا صورت مالی شرکت خارجی حسابرسی شده؟

آیا بانک‌های محل نگهداری وجوه مستقیماً وجود پول را تأیید کرده‌اند؟

و از همه مهم‌تر اگر تراستی پول را پس نداد، ضمانت اجرایی در کدام کشور و تحت کدام قرارداد حقوقی وجود دارد؟

اینها پرسش‌های سیاسی نیستند؛ پرسش‌های کلاسیک حسابرسی، کنترل داخلی و مدیریت ریسک‌اند.

۱۴. مشکل حسابرسی؛ دارایی کجاست؟

از منظر حسابداری، وقتی صد میلیون دلار متعلق به یک شرکت ایرانی در حساب یک شرکت خارجی قرار دارد، باید بتوان وجود و مالکیت اقتصادی آن دارایی را اثبات کرد زیرا حسابرس نباید صرفاً به نامه‌ای که خود تراستی تهیه کرده اتکا کند.براساس استانداردهای حسابرسی تائیدیه ها باید مستقلا صادرشوندند بدین طریق که مانده حساب بانکی از بانک، بدهی تراستی از شخص حقوقی طرف قرارداد و پرداخت‌های انجام‌شده از اسناد مستقل تأیید شود. همچنین باید میان مانده وجوه، مطالبات از تراستی، وجوه مسدودشده، مبالغ در حال انتقال و مبالغ مورد اختلاف تفکیک قائل شد زیرا اگر این اطلاعات با هم ادغام شوند، صورت مالی تصویری واقعی از ریسک ارائه نمی‌دهد.

در واقع میلیاردها دلار «پول خارج از کشور» می‌تواند در دفاتر شرکت ایرانی به عنوان دارایی ثبت شده باشد، در حالی که قابلیت وصول واقعی آن مشخص نیست. کما این که براساس شواهد ومستندات که بعضا در دادگاه ها هم مطرح شده بخش قابل توجهی از این مطالبات یا دارائی ها غیرقابل وصول بوده اند .

۱۵. تراستی‌ها و مفهوم «نشتی اقتصادی»

تعبیر «نشتی» شاید برای توصیف آثار این سیستم مناسب‌تر از واژه ساده «کارمزد» باشد. هر بار که تجارت مستقیم به زنجیره‌ای طولانی‌تر تبدیل می‌شود، مقداری از ارزش اقتصادی ممکن است در مراحل مختلفی همچون تخفیف فروش، هزینه واسطه، هزینه تبدیل ارز، هزینه حمل اضافی، هزینه حقوقی، ریسک تأخیر،

خواب سرمایه، هزینه انتقال، احتمال بلوکه‌شدن منابع و در بدترین حالت عدم بازگشت اصل وجه از بین برود. بنابراین هزینه واقعی تحریم را نمی‌توان فقط با کاهش مقدار صادرات محاسبه کرد. در این گونه معاملات باید پرسید: «از هر ۱۰۰ دلار کالای صادرشده، نهایتاً چند دلار ارزش اقتصادی خالص در اختیار اقتصاد ایران قرار می‌گیرد؟

و تا زمانی که پاسخ این پرسش به‌صورت شفاف منتشر نشود، محاسبه هزینه واقعی تحریم ناقص خواهد بود.

۱۶. کاسبان تحریم چگونه شکل می‌گیرند؟

تحریم یک ویژگی مهم دارد: دسترسی را کمیاب می‌کند. هر چیزی که کمیاب شود می‌تواند رانت ایجاد کند. اگر فقط چند نفر بتوانند حساب بانکی خارجی داشته باشند، تراستی شوند، کشتی تهیه کنند، شرکت خارجی ثبت کنند یا مسیر انتقال پول را در اختیار داشته باشند، «دسترسی» خود به یک دارایی اقتصادی تبدیل می‌شود. در چنین محیطی، سود تنها از تولید به دست نمی‌آید؛ ممکن است از دسترسی به مسیر تحریم حاصل شود. به عبارت دیگر، تحریم دو گروه بازنده و برنده ایجاد می‌کند.

تولیدکننده‌ای که کالای خود را با هزینه بیشتر صادر می‌کند و شهروندی که آثار تورمی و کاهش رفاه را تحمل می‌کند در یک طرف قرار دارند؛ واسطه‌ای که از انحصار مسیر فروش و انتقال پول درآمد کسب می‌کند، می‌تواند در طرف دیگر قرار گیرد. این همان جایی است که مفهوم «کاسب تحریم» معنا پیدا می‌کند.

۱۷. تناقض بزرگ

در این سیستم تناقض عجیبی وجود دارد. بدین معنی که برای دور زدن سیستم مالی تحت کنترل خارجی، کشور مجبور می‌شود بخشی از منابع خود را به اشخاص و شرکت‌هایی در خارج از مرزهای خود بسپارد. یعنی تحریم با هدف محدودکردن دسترسی ایران به بانکداری جهانی وضع می‌شود، اما یکی از نتایج جانبی آن می‌تواند افزایش وابستگی ایران به واسطه‌های خارجی باشد. هرچه تحریم شدیدتر باشد، نیاز به مخفی‌کاری بیشتر و هرچه مخفی‌کاری بیشتر باشد، شفافیت کمتر و هرچه شفافیت کمتر شود، حسابرسی دشوارتر و حسابرسی در این گونه موارد بسیار مشکل و هرچه حسابرسی دشوارتر شود، فرصت فساد افزایش می‌یابد. رابطه چرخه اقتصاد تحریمی متشکل از تحریم ، قطع یا محدودشدن بانکداری رسمی ، افزایش واسطه‌ها ، گسترش شرکت‌های تراستی و پوششی ، کاهش شفافیت ، افزایش هزینه و ریسک ، ایجاد رانت و امکان فساد و نشتی منابع اقتصادی را می توان در شکل شماره پنج مشاهده کرد .



۱۸. ایران و FATF؛ یک عامل مضاعف

تا تاریخ نگارش این مقاله گروه مقابله با جرائم مالی (FATF) همچنان ایران را در فهرست حوزه‌های قضایی پرخطر مشمول «Call for Action» نگه داشته است.[۱۳]

این وضعیت مستقل از تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا است، اما از نظر عملی می‌تواند احتیاط بانک‌ها و مؤسسات مالی خارجی در تعامل با طرف‌های مرتبط با ایران را افزایش دهد. بنابراین اقتصاد ایران هم‌زمان با دو مانع ریسک تحریم و ریسک مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی غیرقانونی مواجه شده است. این دو الزاماً یکی نیستند، اما در رفتار بانک‌های بین‌المللی می‌توانند روی یکدیگر اثر بگذارند.

۱۹. آیا راه دیگری وجود دارد؟

واقعیت این است که در شرایط تحریم، نمی‌توان صرفاً دستور داد «تراستی‌ها حذف شوند» و انتظار داشت تجارت خارجی بدون جایگزین ادامه پیدا کند. اگر کانال رسمی بانکی وجود نداشته باشد، تجارت به‌طور طبیعی به دنبال کانال جایگزین خواهد رفت. بنابراین مسئله اصلی حذف تراستی نیست؛ مهار ریسک تراستی است.

راه‌حل باید بر انتقال سیستم از «اعتماد شخصی» به کنترل نهادی استوار شود. اگر صدها میلیون دلار نزد یک شخص یا شرکت قرار می‌گیرد، صرف اینکه آن شخص «مورد اعتماد» است، نباید کافی باشد زیرا تجربه نشان داده که آن شخص یک شبه رهی کاندا و یا اسپانیا شده و پس از مدتی هم خودرا اپوزیسیون تحت تعقیب قلمداد می کند؟!.

از طرف دیگر در اقتصاد مدرن، اعتماد جایگزین کنترل نیست لذا اعتماد باید با سند، تضمین، حسابرسی و پاسخگویی همراه باشد.

۲۰. چه باید کرد؟

اصلاح این سیستم مستلزم ایجاد یک چارچوب نظارتی یکپارچه است: هویت و مالک واقعی همه شرکت‌های تراستی باید برای نهادهای نظارتی و حسابرسان مستقل روشن باشد؛ برای هر واسطه سقف مشخصی از وجوه قابل نگهداری تعیین شود؛ تمرکز صدها میلیون دلار نزد یک شخص محدود شود؛ مانده بدهی تراستی به‌طور مستمر با تأیید مستقل بانک‌ها و طرف‌های معامله تطبیق داده شود؛ قراردادها، کارمزدها و نحوه تسویه مستند باشند؛ وجوه متعلق به شرکت‌های مختلف تا حد امکان از یکدیگر تفکیک شوند؛ و سوابق تراکنش‌ها به‌نحوی نگهداری شوند که زنجیره کالا ــ فاکتور ــ خریدار ــ پرداخت ــ ذی‌نفع نهایی قابل بازسازی باشد.

همچنین باید نظامی برای شناسایی(Beneficial Owner) شرکت‌های واسطه برقرار شود؛ موضوعی که فاتف (FATF) نیز آن را برای جلوگیری از سوءاستفاده از شرکت‌های پوششی ضروری می‌داند.[۱۲]

مهم‌تر از همه آنکه زیان ناشی از عملکرد تراستی نباید تنها هنگامی آشکار شود که شخص با پول از دسترس خارج شده است. کنترل واقعی باید قبل از وقوع زیان عمل کند، نه پس از آن.

۲۱. مسئولیت حسابرسان و نهادهای حرفه‌ای

موضوع تراستی صرفاً مسئله دولت یا دستگاه قضایی نیست. سازمان حسابرسی ، جامعه حسابداران، حسابرسان مستقل، مدیران مالی، بازرسان قانونی و کمیته‌های حسابرسی نیز باید در برابر این پرسش پاسخگو باشند:

وجوه ارزی متعلق به بنگاه دقیقاً کجا قرار دارد؟

اگر یک شرکت بزرگ صدها میلیون دلار «مطالبات از اشخاص خارجی» دارد، آیا صرف درج آن در ترازنامه کافی است؟

پاسخ بدون شک منفی است.!! زیرا حسابرس باید امکان وصول، ماهیت طرف حساب، سابقه تراکنش، مالک واقعی، وثایق، محدودیت انتقال، احتمال بلوکه‌شدن و تمرکز ریسک بررسی شود. صرف تائیدیه مدیرانی که

متاسفانه بعضا خود ذینفع تراستی ها بوده و هستند ریسک حسابرسی را کاهش نمی دهد ، جون که ممکن است یک دارایی از نظر حسابداری وجود داشته باشد ولی از نظر اقتصادی قابلیت تبدیل‌شدن آن به وجه قابل استفاده بسیار پایین باشد. از این رو، پرونده تراستی‌ها باید به یکی از موضوعات جدی آینده حرفه حسابرسی ایران تبدیل شود.

۲۲. مسئله اصلی فراتر از چند متهم است

اگر مسئله را صرفاً به «۱۵ نفر فراری» یا «یک تراستی ۲۰۰ میلیون دلاری» تقلیل دهیم، احتمالاً اصل مسئله را ندیده‌ایم. حتی اگر تمام متهمان دستگیر شوند و تمام پول‌ها نیز بازگردد، پرسش اساسی همچنان باقی می‌ماند:

چرا ساختاری ایجاد شده بود که امکان سپردن چنین مبالغی به اشخاص یا شرکت‌هایی با این میزان ریسک را فراهم می‌کرد؟

فساد بزرگ معمولاً تنها حاصل وجود «آدم فاسد» نیست. فساد بزرگ به ساختاری احتیاج دارد که فرصت فساد را ایجاد و امکان کشف آن را کاهش دهد. به همین دلیل برخورد قضایی ضروری است، اما کافی نیست. اگر ساختار تغییر نکند، اشخاص عوض می‌شوند ولی مسئله باقی می‌ماند.

۲۳. تحریم؛ مالیاتی که در بودجه دیده نمی‌شود

از دیدگاه اقتصاد سیاسی می‌توان بخشی از هزینه تحریم را نوعی «مالیات پنهان بر اقتصاد ملی» تلقی کرد.

این مالیات را دولت به‌طور رسمی وصول نمی‌کند؛ بلکه در قالب تخفیف فروش، کارمزدهای اضافی، هزینه واسطه‌گری، افزایش ریسک، خواب سرمایه و زیان ناشی از تخلفات از ارزش تجارت خارجی کاسته می‌شود.

صورت‌حساب واقعی تحریم نیز هیچ‌گاه تنها در بودجه دولت دیده نمی‌شود.

بخشی از آن را شرکت نفت یا شرکت های صادرکننده کالا ، بخشی را صادرکننده خصوصی ، بخشی را بانک و واردکننده و در نهایت بخش بزرگی از آن از طریق کاهش درآمد ملی، تورم و افزایش هزینه کالاها به جامعه منتقل می‌شود.

۲۴. تراستی؛ معلول یا علت؟

تراستی در ابتدا معلول تحریم است. اما اگر شبکه تراستی بزرگ، انحصاری و غیرشفاف شود، خود می‌تواند به علتی برای تداوم فساد اقتصادی و مقاومت ذی‌نفعان در برابر شفافیت تبدیل شود. در این مرحله تضاد منافع مهمی شکل می‌گیرد:

آنچه برای اقتصاد ملی «هزینه تحریم» است، ممکن است برای برخی واسطه‌ها منبع درآمد تحریم باشد. در نتیجه همه فعالان الزاماً انگیزه اقتصادی یکسانی برای عادی‌شدن تجارت و بازگشت نظام بانکی ندارند. این موضوع شاید مهم‌ترین جنبه اقتصاد سیاسی پدیده تراستی باشد.

نتیجه‌گیری

تراستی‌ها را نمی‌توان خارج از بستر تحریم فهمید. هنگامی که اقتصاد بزرگی مانند ایران از بخش مهمی از شبکه رسمی مالی بین‌المللی محروم شود، مسیرهای جایگزین برای ادامه تجارت به وجود می‌آیند. شرکت‌های واسط، صرافی‌ها، حساب‌های کشورهای ثالث و شبکه‌های موسوم به بانکداری سایه بخشی از همین واقعیت‌اند. اسناد رسمی نهادهائی چون FinCEN، OFAC و DFAT/AUSTRAC نیز وجود و اهمیت چنین ساختارهایی را تأیید می‌کنند.[۲][۶][۸]

اما ضرورت ناشی از تحریم، مجوزی برای فقدان نظارت نیست. بزرگ‌ترین خطا آن است که تصور کنیم چون فعالیت باید مخفی بماند، پس نباید حسابرسی شود. اتفاقاً برعکس:

هرچه عملیات خارجی محرمانه‌تر باشد، کنترل داخلی آن باید قوی‌تر باشد.

پرونده‌های اخیر تراستی‌ها نشان می‌دهد انتقال منابع عمومی بر پایه «اعتماد» بدون کنترل نهادی می‌تواند ثروت ملی را در معرض خطر قرار دهد. گزارش تشکیل ۵۹ پرونده، زندانی‌شدن ۲۲ متهم، پیگیری بین‌المللی تعدادی از افراد و اعلام عدم بازگشت حدود ۲۰۰ میلیون دلار توسط یک واسطه، زنگ خطری جدی درباره معماری موجود مدیریت ارز در شرایط تحریم است.[۳][۴]

بنابراین پرسش امروز دیگر فقط این نیست که: «چگونه تحریم را دور بزنیم؟»

پرسش مهم‌تر این است:

«چه کسی پول ملت را پس از دور زدن تحریم در اختیار دارد، چگونه بر آن نظارت می‌شود و چه کسی مسئول پاسخگویی است؟»

اگر پاسخ این پرسش روشن نباشد، شبکه‌ای که برای مقابله با تحریم ایجاد شده است می‌تواند خود به نشتی بزرگ منابع ملی تبدیل شود. در نهایت مسئله تراستی‌ها را باید در چهارچوب وسیع‌تری دید که تحریم، فقدان شفافیت، تمرکز قدرت اقتصادی و ضعف پاسخگویی.

و شاید مهم‌ترین نتیجه این بررسی همین باشد که تحریم فقط راه ورود پول را مسدود نمی‌کند؛ اگر نظارت وجود نداشته باشد، می‌تواند راه خروج و ناپدیدشدن پول را نیز هموار کند. از دیدگاه نگارنده تنها راه حل

برقراری مناسبات اقتصادی عقلائی درهرشکلی بازگشت به ریل اقتصاد جهانی براساس منافع ملی و رفع تحریم ها می باشد زیرا ادامه تحریم ها صرفا نشتی های فعلی را به سوراخ های عظیمی که اقتصاد معیشت مردم را نابود می کنند تبدیل خواهد کرد. ادامه وضع فعلی توانندی اقتصاد ۷۰۰ میلیارد دلاری کشوررا به حدود ۳۰۰ میلیارد رسانید ه که احتمال کاهش آن ودر نتیجه در غلطیدن به سراشیبی سقوط و نابودی معیشت مردم وجوددارد.

منابع

۱.کالید شکافی سازوکارتراستی ها در تجارت خارجی ایران –

https://ir.mondediplo.com/2026/08/article5782

۲. Financial Crimes Enforcement Network (FinCEN)، Iranian Shadow Banking: Trends in Bank Secrecy Act Data، اکتبر ۲۰۲۵؛ همچنین اطلاعیه FinCEN درباره شناسایی حدود ۹ میلیارد دلار فعالیت بالقوه بانکداری سایه مرتبط با ایران در سال ۲۰۲۴.

۳. گزارش اظهارات دادستان تهران درباره تشکیل ۵۹ پرونده مرتبط با مدیران شرکت‌های تراستی، معرفی ۲۲ متهم به زندان و اعلان قرمز برای ۱۵ نفر، تیر ۱۴۰۵.

۴. گزارش اظهارات ذبیح‌الله خداییان، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، درباره عدم بازگشت بیش از ۲۰۰ میلیون دلار توسط یک تراستی، مرداد ۱۴۰۵.

۵. گزارش داخلی درباره اعلام رقم ۱/۶ میلیارد دلار سوءاستفاده منتسب به برخی تراستی‌ها؛ رقم یادشده تا تعیین تکلیف قضایی باید با همین وصف نقل شود.

۶. Australian Sanctions Office / AUSTRAC، Identifying Sanctions Risks in Iran's Shadow Banking Network، دسامبر ۲۰۲۵.

۷. Dario Laudati & M. Hashem Pesaran، Identifying the Effects of Sanctions on the Iranian Economy Using Newspaper Coverage.

۸. U.S. Department of the Treasury, OFAC، Guidance for Shipping and Maritime Stakeholders on Detecting and Mitigating Iranian Oil Sanctions Evasion، ۱۶ آوریل ۲۰۲۵.

۹. FinCEN Advisory FIN-2025-A002، Iranian Regime's Illicit Oil Smuggling Activities, Shadow Banking Networks, and Weapons Procurement Efforts، ۶ ژوئن ۲۰۲۵.

۱۰. Financial Action Task Force (FATF)، تعریف و مطالعات مربوط به Trade-Based Money Laundering.

۱۱. FATF/Egmont Group، Trade-Based Money Laundering: Trends and Developments؛ درباره فاکتورگذاری بیش یا کمتر از واقع، معاملات صوری، صورتحساب‌های متعدد و شرکت‌های پوششی.

۱۲. FATF، اسناد مربوط به Beneficial Ownership و لزوم شفافیت مالک واقعی شرکت‌ها.

۱۳. FATF، High-Risk Jurisdictions Subject to a Call for Action، ۱۹ ژوئن ۲۰۲۶؛ ایران همچنان در این فهرست قرار دارد.